

ادامه از صفحه ۵

پی جویی منافع وحلقه بسته مدیران

نه پرشور و متعهد بلکه در خوشبینانه ترین حالت به کنشگرانی که دیگر اثری از آرمان گرایی در آنان باقی نمانده تبدیل شده‌اند. دیگر آنکه شکاف میان دانش و تخصص آنان با الزامات مدیریتی روزگار کنونی به سطحی رسیده است که حتی فهم آن نیز برای بسیاری از آنان دشوار است.

۲- قدرت اقتصادی، نفوذ فرهنگی و سیاسی و توانمندی دیجیتال، مهم‌ترین شاخص‌های قدرت نرم به شمار می‌آیند. براساس تازه‌ترین ارزیابی مرکز بین‌المللی دیپلماسی عمومی، فرانسه و کانادا از حیث قدرت نرم، به ترتیب رتبه‌های اول و پنجم دنیا را از آن خود کرده‌اند. فرانسه و کانادا، کشورهایی که اکنون امانوئل مکرون با ۴۰ سال و جاستین ترودو با ۴۵ سال سن عملا رهبری آنها را بر عهده دارند. کشورهایی که فاقد تشکیلات و ساختارهای پیچیده اداری و سیاسی در قدرت بوده و رئیس‌جمهور و نخست‌وزیر منتخب مردم قدرت بلامنازع کشور هستند. بازرگرم به ایران، ۴۰ سال از پیروزی انقلاب سیری شده است.

حتی آنانی که همراه با این پیروزی چشم به جهان گشوده‌اند، براساس شاخص امید به زندگی، اکنون در نیمه دوم زندگی خود قرار گرفته‌اند. اما به‌راستی حلقه بسته مدیران همیشگی کشور، چه سازوکاری برای قراردادن سهمی هرچند کوچک، از مصادر مدیریتی کشور به نیروهای جدید و توانمند ایجاد کرده‌اند.

۳- بدون تردید پیروزی رئیس‌جمهور منتخب در انتخابات ریاست‌جمهوری و فهرست‌های شوراهای شهری در کلان‌شهرها، بیش و پیش از هر چیز موهون خواست و اراده نسلی است که در دو دهه گذشته به کنشگرانی فعال، خطرپذیر، آشنا با دانش و قواعد بین‌المللی در عرصه‌های اقتصادی، اجتماعی و رسانه‌ای تبدیل شده‌اند. کنشگرانی که با جدیت تمام، نیروی خود را برای استقرار دولتمردانی که تفکر و رفتاری توسعه‌گرا دارند به کار می‌گیرند تا امکان ایجاد فضای اقتصادی، اجتماعی و سیاسی مناسب به منظور شکوفایی استعدادها و ظرفیت‌های انسانی و بهره‌مندی از آن فارغ از جنس، قومیت، مذهب و سن و سال فراهم شود.

۴- گاهی دوباره به چیشش اعضای کابینه جدید و نیز انتخاب شهرداران در کلان‌شهرهایی مانند تهران و مشهد، خود گواه قصه‌ای است که گفته شد. انکار اگر افسار مرگ کشیده شود تا پایانی بر عمر نباشد، آدمیانی یافت می‌شوند که از چونان توانمندی و استعدادی برخوردارند که قادرند برای تمام دوران با در دست‌گرفتن زمام امور سیاسی، اداری و اقتصادی کشور، آن را به سرنمزل توسعه رهنمون کنند.

قطعا این ادعای تکراری که چون کشور در شرایط خطیری قرار گرفته و بر این اساس فرصت آزمون و خطا برای سپردن امور به نسلی جدید نیست و باید مدیران باتجربه همیشه سوار بر قطار، زمام امور را در دست گیرند، صرفا ادعایی گمراه‌کننده برای پی جویی مستمر منافع از سوی آنان یا پرداخت کمترین هزینه‌های ممکن است.

به‌راستی که این هم از نشانه‌های کم‌ترسوسته‌یافتگی این سرزمین است. اینکه حلقه بسته مدیران همواره پی جوی منافع، با استفاده از مجموعه ابزارهای تبلیغاتی در اختیار و فضای انحصاری رسانه‌ای سالیان متمادی گذشته، ایده‌ای را در جامعه نشر داده‌اند که دولتمردان و سیاست‌مداران این سرزمین، فراتر از یک انسان عادی، نه به دنبال منافع خود، بلکه صرفا از سر خیرخواهی، با ازجان‌گذشتگی تمام و انجام کار طاقف فرسای شنبانه‌روزی به دنبال بهبود امور کشور هستند. ایده‌ای که مدت‌هاست خط بطلان بر آن کشیده شده است و مدل‌ها و الگوهای متنوعی برای رفع این تناقض بنیادین، یعنی پی جویی منافع سیاست‌مداران و دولتمردان و ضرورت بهبود رفاه عمومی، از سوی صاحب‌نظران ارائه شده و کشورهای پیشرو آن را به کار گرفته‌اند.

۵- سرانجام اینکه باید بدانیم بهبود شرایط اقتصادی، سیاسی و اجتماعی کشور، معلول عوامل مختلفی مانند فراهم‌بودن زیرساخت‌های مناسب سازمانی، اطلاعاتی، مالی، اجتماعی و انسانی است. -اما بدون شک این سرمایه مدیریتی یک کشور است که در صورت بهینه‌بودن با تأثیرات مستقیم خود در سایر عوامل، امکان بهبود آنها و در نتیجه بهبود شرایط کشور را فراهم می‌کند. بنابراین تا آن هنگام که دگرگونی اساسی در حلقه بسته مدیریتی کشور صورت نپذیرد، امیدی به بهبودی نیز متصور نیست.

کنشگران و عاملان فعالی که در دو دهه گذشته وارد عرصه‌های مختلف اقتصادی، اداری، اجتماعی و رسانه‌ای کشور شده‌اند، باید با استفاده از ابزارهای متفاوت و نوین تکنولوژی مانند شبکه‌های مجازی که به‌تدریج در زمانه حاضر اتاق‌های شیشه‌ای شفاف را بر عملکرد همگان تحمیل کرده، بر بازشدن حلقه بسته مدیران کشور و ورود نیروهای جدید و در نتیجه ایجاد حداقلی از امید برای بهبود شرایط همت گمارند.

ادامه از صفحه ۵

تأمین آب کشاورزی و شرب شهرها، روزبه‌روز با چالش‌های جدی مواجه است. تا جایی که تأسیس سد‌ها با وجود کارآمدی زیادی که در این شرایط برای تأمین آب فراهم کرده، به خاطر کمبود مطالعات محیط‌زیستی و اقلیمی و انجام‌ندادن جدی فرایند تأثیرات محیط‌زیستی EIA و SEA، عرصه‌ها و آب‌خوان‌های طبیعی با مشکلات جدی مواجه شده و مراتع و چشمه‌های طبیعی خشکیده و در مناطقی مثل استان همدان و شهرهایی مثل تهران فرونشست زمین ایجاد شده است. این چالش جدی و مهم با نظام مصرفانه و غیرکارآمد بهره‌برداری از آب در بخش کشاورزی با ۹۲ درصد از مصارف و بخش خانگی با شش درصد و صنعت با دو درصد مواجه است. اگرچه در حرف برای بهینه‌کردن آب در کشاورزی و مصارف خانگی حرف زیاد زده شده ولی عملا اقدامات سیاسی اندکی صورت گرفته و هنوز کشاورزی قربانی و تولید صیفی جیات در مناطق کم‌آب و لوله‌کشی با لوله‌های ساین بالا در ساختمان‌ها رواج دارد.

۷- اجازه دهید به چالش‌هایی که ارتباط مستقیمی با حوزه اقتصاد دارند نیز بپردازیم: چالش‌هایی مثل مشکلات بانکی، صندوق‌های بیمه تأمین اجتماعی و بی‌کاری؛ این چالش‌ها را چگونه می‌توان تفسیر کرد؟ باید اعتراف کنیم که اقتصاد ایران بانک‌محور شده و این اتفاق، اقتصادی را که در این مرحله باید تولیدمحور باشد، تهدید می‌کند. در واقع بانک‌ها عملا با کارکرد خود به دلیل نرخ سود بالاتر از نرخ بازگشت سرمایه‌گذاری در بخش‌های تولیدی به اقتصاد واقعی کشور ضربه وارد می‌کنند. البته در اقتصاد ایران همواره به توسعه بخش غیرواقعی اقتصاد در عرصه‌های پیشرفته بانکی و مالی احتیاج مبرم وجود دارد ولی بانک‌محوری کنونی سوداگرانه و مغرب است. سودآوری بانک‌ها به‌شدت زیر سؤال رفته و مکانیسم‌های مالی بانک‌ها با تعارضات جدی مواجه است. دخالت بانک‌ها در بخش‌های اقتصادی نیز کم‌سکان ادامه دارد. بانک‌ها بین ۵۰ تا ۸۰ درصد از منابع خود را که بخش اصلی نقدینگی کشور است، نمی‌توانند در کار و سرمایه اقتصاد به جریان بیندازند که دلایل آن را می‌توان مواردی نظیر بازپرداخت تسهیلاتی که به بانک‌ها برگشت نشده، بدهی دولت به بانک‌ها و سرمایه‌گذاری بانک‌ها در بخش دچار رکود ساختمان و مسکن دانست. از طرف دیگر، وجوه صندوق‌های بیمه‌های اجتماعی که تصحیم‌کننده امنیت اجتماعی شاغلان و خانواده‌های آنان در آینده است، نقش و کارکرد بین‌نسلی دارد. این صندوق‌ها اکنون به دلیل بحران‌های اقتصادی و سوم‌مدیریت، به سرونوشتی دچار شده‌اند که عملا غیر از سازمان تأمین اجتماعی بقیه صندوق‌ها از حالت صندوق بیمه‌ای اجتماعی خارج شده و دومین صندوق بزرگ بعد از سازمان تأمین اجتماعی یعنی صندوق بازنشتگی کشوری هم دیگر صندوق نیست و بیش از ۸۰ درصد از منابع سالانه آن از سوی دولت تأمین می‌شود. در اینجا لازم است نگاهی به گذشته سازمان تأمین اجتماعی بیندازیم. سازمان تأمین اجتماعی از اول تأسیس خود تا سال ۱۳۸۴، ۱۰۲ میلیون نفر مستمری‌بگیر داشت ولی در ششت سال فعالیت دولت‌های نهم و دهم ۱۰۲ نفر برخلاف اصول فنی بیمه‌های اجتماعی به آن اضافه شد و جمعیت مستمری‌بگیران به ۲۰۴ میلیون نفر رسید. حال در نظر بگیرید سازمان با ۱۳۰۵ میلیون نفر بیمه‌شده، ۴۲۰۳ میلیون نفر با احتساب افراد خانواده را هم پوشش دارد که ۵۳ درصد جمعیت کشور را شامل می‌شود. درحال حاضر به ازای هر یک نفر مستمری‌بگیر، شش نفر حق بیمه به صندوق می‌پردازند. سازمان از نظر مالی در سال ۱۳۸۶ از نقطه سر به‌سری یعنی فرونی هزینه به درآمد گذشته است. بروز هر مشکلی برای این سازمان مشکلات ظبطی برای جامعه ایجاد می‌کند که حل آن در قوراء مالی دولت‌ها نیست و از جنس امنیت اجتماعی کشور است. ولی بهبود وضع مالی این سازمان در آینده دقیقا وابسته به رونق اقتصادی کشور، افزایش اشتغال و تعادل در دریافت‌های سازمان خواهد بود.

۸- یعنی رفع این بحران با مشکل بی‌کاری گره خورده است؟

بله، زیرا چالش بی‌کاری هم موضوع کم‌اهمیتی نیست. اشتغال اگرچه به‌ظاهر یکی از مهم‌ترین شاخص‌های اقتصادی است، ولی کارکرد آن نیز در جامعه نقش اجتماعی، فرهنگی و انسانی دارد و به تشخیص انسانی و پایگاه اجتماعی و فرهنگی آحاد جامعه برمی‌گردد. در اثر ناکارآمدی‌های اقتصادی، نامناسب‌بودن فضای کسب‌وکار، کاهش تولید، تحريم‌های بین‌المللی، اقتصاد دولتی، تعطیلی کارخانجات و واحدهای کوچک و متوسط، به‌ویژه بی‌توجهی دولت‌ها در ایران به نقش اساسی و عمده واحدهای خرد، کوچک و متوسط به‌عنوان موتور تولید اشتغال در جامعه که امری جهانی است، اشتغال با کاهش اساسی مواجه شده و تراز تولید اشتغال و بی‌کاری بین سال‌های ۸۴ تا ۹۲ در دولت نهم و دهم ۶۰ هزار شغل به‌عنوان متوسط ورود سالانه نیروی کار تا پاییز ۹۳ بوده است. اگرچه در سال‌های اخیر روند بهبود به‌کندی انجام شده و در سال ۹۴، ۵۰۰ هزار و سال ۹۵، ۷۰۰ هزار اشتغال داشته‌ایم، ولی متقاضی کار در همین سال‌ها به‌ترتیب یک‌میلیون و ۷۰ هزار و یک‌میلیون و ۲۰۰ هزار بوده که عملا ۲۰۰ هزار نفر در سال ۹۴ و ۵۰۰ هزار نفر در سال ۹۵ بی‌کار شده‌اند. تعداد بی‌کاران مورد مناقشه است ولی از سه تا هفت میلیون محاسبه شده است. بی‌کاری یکی از مهم‌ترین چالش‌های جامعه ایران است. بی‌کاری یک عامل مهم در زنجیر فقر و نابرابر است. هم‌زمان اصناف و کسبه هم این گروه‌ها نیز در معرض کاهش انسجام اجتماعی هستند که نتیجه آن عدم آمادگی برای ایجاد اشتراک مفهومی در امر توسعه ایران است. در این میان فقدان گفت‌وگوی ملی بین ذی‌نفعان و بازیگران توسعه مشهود و نبود آن مانند سم مهلکی بدنه جامعه در حال تحول ایران را رنجور کرده است. کاهش گفت‌وگوی ملی سبب آن می‌شود که سرمایه اجتماعی و حس اعتماد بین گروه‌های اجتماعی کاهش یابد و در انسجام بین گروه‌های اجتماعی خلل ایجاد شود و عملا سرمایه اجتماعی که لازمه همه گونه توسعه

اقتصاد

موج فسادهای سیاه، خاکستری وسفید



پس: ۱۳ میلیارد ریالی

سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی است، به‌خطر بینند.

۷- اجماع در بین گروه‌های سیاسی همان‌طور که اشاره کردید وجود ندارد یا اگر متصفانه‌تر بخواهیم بگوییم در حداقل ممکن است. به جز این تصمیم‌سازی در حوزه اقتصاد هم با چالش همراه است. این را هم توضیح دهید؟

به نظر من می‌توان خلل در تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری در حوزه‌های مختلف توسعه اقتصادی و اجتماعی ایران را به‌عنوان نهمین چالش، بررسی کرد. انحلال سازمان برنامه و بودجه در دولت‌های نهم و دهم و تأسیس دوباره آن و محورنبودن این سازمان در امر توسعه ایران، یکی از مصادیق ناکارآمدی در تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری است، سازمان برنامه هم در شرایط اقتصاد دولتی و برنامه‌های میان‌مدت پنج‌ساله کارآمدی خود را نشان داده است و هم برای سیاست‌گذاری و کمک به تصمیم‌سازی دولت در شرایط دهم و اقتصاد غیردولتی، هر بار که ایران به رونق آمده به‌خطر تشکیلات ماتریس سازمان برنامه و بودجه بوده که محور هدایت اقتصاد کشور را در دست داشته است. اعمال و اشاعه برنامه و بودجه از سوی دولت به وزارتخانه‌های بخشی و به بخش‌های اقتصادی و اجتماعی جامعه کار بسیار پیچیده و حساسی است که باید در لوی یک سیاست عمومی مشارکتی با تشویق و ترغیب و ایجاد انگیزه‌های لازم صورت پذیرد. این چالش با ناکارآمدی نظام اداری نیز مرتبط است. نقش هماهنگ‌کننده دولت نیز با خلل‌های جدی در کشور مواجه است تا بتواند با تلفیق و یکپارچگی تصمیماتی ناکارآمدی اضافه کارایی سیاست‌ها و تصمیمات را به نفع کارآمدی توسعه اقتصادی بالا ببرد. از سال ۸۴ به بعد این امر در دولت‌ها تشدید شده و میراث آن در دولت دوازدهم نیز تداوم یافته؛ اگرچه سعی می‌شود تا حدی اصلاح شود ولی به‌نظر می‌رسد همواره گریبان دولت را گرفته است. افزایش هزینه‌های دولت نیز به این شکل ادامه می‌شود. دولت مدخله‌گر را به سازمان اداری ناکارآمد هزینه‌های هنگفتی به اقتصاد ایران تحمیل‌کرده و متأسفانه مداخله بودجه‌ای دولت در امور مختلف غیرضرور و خارج وظایف اصلی دولت در حال گسترش است. در شروع دولت دوازدهم علاوه بر وزارت اقتصاد دارایی و سازمان برنامه و بودجه معاون اقتصادی رئیس‌جمهور و دستیار ویژه اقتصادی در راست‌جمهوری شکل گرفته است. تجربه نشان می‌دهد که اگر این نهادها در جهت تقویت راهبردی و هدایت سازمان برنامه و بودجه نباشد، خود موجب خلل در تصمیم‌گیری اقتصادی در ستاد عالی دولت خواهد شد.

۸- در دولت‌های نهم و دهم که اختلاس سه هزار میلیاردی در شبکه بانکی رخ داد و بعد هم از ماجرای بابک زنجانی به برنده‌باشته شد، گفتن از فساد رواج ویژه‌ای یافت. حتی برخی از انواع فساد‌ها هم برده برمی‌دارند. به نظر می‌رسد فساد هم‌ا برچالش اقتصاد ایران باشد.

فساد یکی از مهم‌ترین چالش‌های جامعه ایران است که منابع اصلی توسعه تلقی می‌شود. بی‌تردید

در جامعه‌ای که آلوده به فساد اداری باشد، نمی‌توان به توسعه اقتصادی و اجتماعی دل بست. متأسفانه انواع فساد اعم از فساد سیاه که از سوی نخبگان و مردم محکوم می‌شود مثل رشوه‌خواری، فساد خاکستری که از سوی گروه‌های خاص محکوم می‌شود؛ مثل زیر پا گذاشتن قوانین و فساد سفید که ظاهرا محکوم نمی‌شود ولی در واقع فساد است و فسادهای فردی و اجرائی و نهادی در ایران در حال تجربه‌شدن است. فساد ساختاری یا نهادی زمانی ایجاد می‌شود که در سطوح مختلف جامعه به‌ویژه در سطوح عالی اداری شیوع پیدا کند و در چشم دیگران قیاحت نداشته باشد. بنده معتقدم که در ایران هنوز فساد ساختاری و نهادی رایج نشده ولی ما در معرض رسیدن به آن هستیم. خود این امر به اهمیت آن می‌افزاید و امکان اصلاح آن را برای ما بیشتر می‌کند. پارتی‌بازی یا بده‌بستان‌کردن دارایی‌ها، امکانات و ظرفیت‌ها یکی از مصادیق فساد است. یکی دیگر از مصادیق فساد خوشخواندگرایی و تبارگرایی به‌شمار می‌رود که در ایران به پدیده آقاآزادگی معروف است. متأسفانه سال‌هاست که این امر در کشور رایج شده و کم‌کم از قیاحت آن کم می‌شود. دولت باید خود در قوه مجریه قانون و دستورالعمل محکمی برای مبارزه با فساد تدوین کرده و با قدرت به اجرا بگذارد، به‌ویژه از فعالیت بستگان مسئولین و به‌کارگیری آنها در دستگاه‌های دولتی مرتبط با مسئول ذی‌ربط قاطعانه جلوگیری کند. حتی اگر شائبه فساد نباشد، این امر باید غیرقانونی و ممنوع اعلام شود. برنامه کاهش فساد اداری یک پروتکل بین‌المللی است و ظاهرا ایران نیز در سازمان جهانی و واحد آسیایی آن عضویت دارد. برنامه مبارزه با فساد دولت نباید به قوای دیگر مشروط شود. دولت باید این کار را مستقل به انجام برساند، سپس نتایج آن به قوای دیگر تسری می‌یابد.

۷- دولت همواره تأکید کرده که پرداخت بارانه‌ها باعث شده بخش زیادی از منابع مورد نیاز برای توسعه اقتصادی کشور از دست دولت خارج شود؛ آیا می‌توان پرداخت بارانه‌ها را نیز به‌عنوان یک چالش عنوان کرد؟

بله، قطعا پرداخت بارانه‌ها هم چالشی بزرگ در مسیر توسعه اقتصادی است. پرداخت بارانه‌ها قبل از انجام طرح همدفندسازی دولت دهم، به شکل یکسان بود و عادلانه توزیع می‌شد، به نحوی که مثلا گروه‌های پردرآمد ۶۰ برابر گروه‌های کم‌درآمد از بزرین سوبسیدی استفاده می‌کردند و حتی سه برابر نیز داروی سوبسیدی مصرف می‌کردند. همچنین بارانه‌ها به شکل پنهان و نه آشکار پرداخت می‌شد. همدفندکردن بارانه‌ها این مفهوم را داشت که بارانه‌ها کلا قطع شود و صرفا به گروه‌های درآمدی نیازمند به شکل همدفند آن هم به مدت موقت، تعلق گیرد تا توانمندی آنان را به همراه داشته باشد. همچنین قرار بود درآمدهای ناشی از کاهش بارانه‌ها، صرف توسعه خدمات تأمین اجتماعی برای توانمندشدن جامعه شود. متأسفانه در دولت دهم، بارانه‌ها به شکل نقدی و آشکار به همه مردم ایران پرداخت شد و این شائبه را ایجاد کرد که این سهمی از پول نفت و حق همه آحاد کشور است. در دولت یازدهم که قصد اصلاح آن را داشتند، بعضی از هنرمندان و گروه‌های اجتماعی شرط انصراف دریافت داوطلبانه یارانه را هنرنه‌کردن آن در ساخت مدرسه و واحدهای عام‌المنفعه اعلام کردند. درحالی‌که اولاً آنها در حالت توانایی اقتصادی به چه مناسبت یارانه می‌گرفتند؟ یارانه نوعی کمک اجتماعی است که نباید شامل همه مردم شود و تائیا این پول حق آنها نبوده که بخواهند به کسی ببخشند. ولی متأسفانه این تلقی غلط ایجاد شده که این حق همه است که یارانه بگیرند و سهمی از پول نفت است. در واقع پرداخت یارانه از مسیر خود خارج شده و تبدیل به حق اجتماعی برای همه شده است. مشاهدات نشان می‌دهد در بعضی از نواحی جنوبی کشور، خانوارهای برعانه کسب‌وکار برخیز پول را مثل صیادی یا نخل‌کاری، رها کرده و به درآمد کمتر یارانه بسنده کرده‌اند. پرداخت یارانه کنونی در ایران یکی از بدترین سیاست‌های رفاهی بوده که آثار ضد فرهنگ کار و ضداقتصادی دارد.

ادامه در صفحه۱۹

ادامه از صفحه ۵

نفت ایران

فیلم‌های استیون اسپیلبرگ

کانادا در سال ۲۰۱۶ از محل فروش انیمیشن، بالغ بر ۳۰۰ میلیارد دلار درآمد داشته است. آمریکا هم همین مقدار؛ موضوع وقتی وحشتناک می‌شود که حدود ۲۰۰ میلیارد دلار درآمد کانادا، بیش از ۱۰ برابر درآمد نفتی ایران در سال ۲۰۱۶ بوده است!

صبر کنید؛ هنوز ادامه دارد. درحالی‌که خیلی خوشحال هستیم که از نفتی که به‌صورت خدادادی در اختیارمان قرار گرفته، پول درمی‌آوریم باید بگویم کشور میانمار که یک کشور نسبتا کم‌برخوردار محسوب می‌شود، در سال ۲۰۱۶ از محل فروش انیمیشن، ۱۰ میلیارد دلار درآمد کسب کرده است! یعنی یک سوم درآمد نفتی ما در همان سال!

از خواب بیدار شویم!

ما سال‌هاست که توسط نفت جادو شده‌ایم و کاری برای نسل‌های آینده نکرده‌ایم. درست در اوایل تشکیل دولت دوازدهم بود که رئیس‌جمهور روحانی اعلام کرد، کودکاتی که در مهر ۱۳۹۶ به مدرسه می‌روند، وقتی دیلم می‌گیرند و فارغ‌التحصیل می‌شوند، آن روز ایران دیگر نفت ندارد!

معلوم نیست چه بر سر نسل آینده می‌آید، یکی، دو سالی هست که دولت ایران در اوج بحران نفتی از طریق افزایش مالیات‌ها، روزگار می‌گذرانند، اما آیا این چاره کار است؟ آینده چه می‌شود؟ دنیا به سمت سرمایه‌گذاری در صنایع جدید می‌رود و ما هنوز در هیئوتیوم نفت، عمیقا خواب تشریف داریم!

چوب حراج به نفت!

اگر در ابتدای صحبت‌ها از استیون اسپیلبرگ گفتم، باید در ادامه به پرفروش‌ترین فیلم سال در سال ۲۰۱۶ اشاره کنم. چهار فیلم پرفروش سال گذشته از تولیدات شرکت والت دیزنی بوده است: Captain America: Civil War, Finding Dory, Zootopiat و The Jungle Book. این چهار فیلم روی‌هم‌رفته چهار میلیارد دلار فروش داشته‌اند که می‌شود یک هفتم درآمد نفتی ایران در همان سال! اما برای کسب درآمد ۲۹ میلیارددلاری سال ۲۰۱۶ معلوم نیست به چندین بشکه نفت چوب حراج زده‌ایم!

تغییر راهبرد غرب در خاورمیانه

بی‌تعارف باید بگوییم که آمریکا و متحدانش از نفت دست کشیده‌اند و بی‌خیال طلای سیاه خاورمیانه شده‌اند. دیگر بشکه‌های نفتی برای غربی‌ها جذابیتی ندارند. تقریبا نیاز آنها به این انرژی از بین رفته است و با انرژی‌های نو، خود را بی‌نیاز کرده‌اند. نفت دیگر ماهیت سیاسی- امنیتی خود را از دست داده است و جای خود را کم‌کم به آب می‌دهد. جنگ آینده نه بر سر نفت، بلکه بر سر آب است؛ همان جنگی که کشوری مثل ترکیه، بر طول آن کوبیده و با احداث سد و دیگر اقدامات، نبردی سرونشت‌ساز را در مقابل ایران و عراق آغاز کرده است.

تغییر راهبردها در خاورمیانه از هر زمانی بیشتر احساس می‌شود. آمریکا و متحدانش در حال نفوذ خود در آسیای شرقی هستند. آنها می‌خواهند هند و چین، یعنی دو اقتصاد نوظهور و قدرتمند چند سال آینده را کنترل کنند. اینکه امروز هند الکترونیزه‌شده و بیش‌ازحدفعال را مدیریت کنند برایشان از نفت مهم‌تر است. صدها برابر مهم‌تر است. ما بهتر است فراموش کنیم نفت، خریدار دارد. نفت دیگر از سکه افتاده و به‌جرت می‌توان گفت اگر روی صنعت کیم، انیمیشن یا حتی فوتبال سرمایه‌گذاری کنیم، در سال‌های آینده، قطعا در چاه‌های نفت را خواهیم بست و از پول، بی‌نیاز خواهیم شد!

فراخوان ارزیابی کیفی مناقصه عمومی و دو مرحله ای شماره ۵۸/۰۵۸/۹۶/ا

اجاره یک فروند شناور تعمیراتی نوبت اول مجوز شماره ۱۳۹۶/۲۵۶۷



شرکت نفت فلات قاره ایران (سهامی خاص)

- شرکت نفت فلات قاره ایران در نظر دارد نسبت به برگزاری فراخوان ارزیابی کیفی مناقصه فوق الذکر اقدام نماید:
- الف : شرح مختصر خدمات: اجاره یک فروند شناور تعمیراتی
- ب: محل اجرای خدمات: مناطق عملیاتی شرکت نفت فلات قاره در آبهای خلیج فارس
- ج : مدت خدمات: دو سال
- سایر موارد که می بایست مدنظر قرار گیرد:
- ۱- توانایی ارائه ضمانتنامه شرکت در مناقصه به مبلغ ۵.۰۱۰.۲۳۷.۶۰۰ ریال یا ۵۵۵.۲۸۰ درهم
- ۲ – توانایی ارائه ضمانتنامه انجام تعهدات به میزان ۱۰٪ مبلغ کل قرارداد، طبق ضوابط کارفرما در صورت برنده شدن
- ۳- به تقاضاهای مشروط ، مبهم ، ناقص و یا مغایر با شرایط مندرج در اسناد و مدارک و تقاضاهایی که بعد از سهلت مقرر دریافت گردد ، ترتیب اثر داده نخواهد شد.
- ۴- شرکت نفت فلات قاره ایران در رد یا قبول هر یک یا تمام پیشنهادات بدون آنکه محتاج به ذکر دلیل باشد مختار خواهد بود.
- ۵- پیشنهادات سالی می بایستی حداقل سه ماه پس از وصول پیشنهادات به کمیسیون مناقضات شرکت نفت فلات قاره ایران دارای اعتبار و قابل تمدید برای یک دوره دیگر باشند.

روابط عمومی شر کت نفت فلات قاره ایران